

فصل هشتم



• فصل هشتم - واحدهای زبان فارسی

- واج
 - صامت
 - مصوت
 - هجا
 - صامت میانجی
 - تکواژ
 - واژه
 - ساختمان واژه
 - گروه
 - جمله
 - اجزای جمله
- نقش های گروه اسمی
 - وابسته های پیشین
 - وابسته های پسین
 - وابسته های وابسته
 - گروه فعلی
 - ساختمان فعل
 - گروه قیدی
 - ضمیر
 - صوت
 - حروف

زبان : زبان نظامی است متشکل از علائم آوایی قراردادی که برای ایجاد ارتباط بین یک گروه اجتماعی به کار می رود و دارای سه زیر نظام است :

۱- آوایی ۲- دستوری ۳- واژگانی

زبان شناسی : زبان شناسی علمی است که زبان ملفوظ انسان را مورد مطالعه قرار می دهد و می توان آن را از شعبه های جامعه شناسی دانست .

شعبه های زبان شناسی عبارتند از :

دستور، لغت شناسی و آواشناسی .

دستور زبان : بخشی از زبان شناسی است که درباره ساختمان آوایی و صرفی و نحوی و معنایی زبان بحث می کند و دارای سه بخش عمده هستند .

۱- آواشناسی (نظام آوایی زبان) ، ۲- صرف (سازه شناسی ، نظام واژگانی) ، ۳- نحو

واحد های زبان از کوچکترین تا بزرگترین

4

تکواژ

واج

گروه

واژه

جمله

کوچک ترین واحد صدا دار زبان را که
ممیز معناست واج (آوا - صوت) نامند .

انواع واج در زبان فارسی

صامت : تمام حروف الفبای فارسی (۲۳ حرف) صامت هستند . چون در صامت ها بحث صداست نه شکل .

۱ (ا = ع) - ب - پ - ت (= ط) - ث (= س ، ص) - ج - چ - ح (= ه) - خ - د -
ذ (= ز ، ض ، ظ) - ر - ژ - ش - غ (= ق) - ف - ک - گ - ل - م - ن - و - ی

مصوت : مصوت ها به دو قسمت تقسیم می شوند :

الف) مصوت های کوتاه : (اَ ، اِ ، اُ)

ب) مصوت های بلند : (آ - ی - و)

الفبای فونتیک

6

معادل الفبای فونتیک واج های زبان فارسی عبارتند از :

Č = چ	J = ج	S = (ث، س، ص)		T = ت	P = پ	b = ب	ء = ؟
Ž = ژ	r = ر	Z = (ذ، ز، ض، ظ)		d = د	X = خ	h = (ح، ه)	
m = م	L = ل	g = گ	k = ک	F = ف	q = (ق، غ)		Š = ش
					y = ی	V = و	n = ن
					O = <u> </u>	e = <u> </u>	a = <u> </u>
				u = و	l = ی	â , ā = ا	
						ow = <u> </u>	

* به دلایل مختلف از الفبای فونتیک استفاده می شود از جمله :

- الف) نشان دادن همه صداهای یک کلمه چون در خط فارسی از مصوت های کوتاه به ندرت استفاده می شود . مثل : پر ، پر (par , por)
- ب) در خط فارسی نشانه هایی وجود دارد که خوانده نمی شوند . مثل : واو در خوارزم (Xārazm)
- ج) برخی از نشانه های خطی برای بیش از یک صدا به کار می روند . مثلاً « ی » در یاد صامت است و در دید مصوت (yād , did)

مطابق الگوهای هجایی زبان فارسی هیچ گاه دو مصوت کنار یکدیگر نمی آید. از آنجا که زبان فارسی ترکیبی است و با ترکیب تکواژها با هم، واحدهای دیگر ساخته می شوند، گاه دو تکواژی که انتهای یکی و ابتدای دیگری مصوت است می خواهند با هم ترکیب شوند در این صورت از صامتی به نام صامت میانجی استفاده می شود تا هر دو صدا حفظ شود.

مثلاً واژه «دانا» را می خواهیم با «ان» جمع ببندیم، با آوردن «ی» صامت میانجی بین دو مصوت کار

آسان می شود ← **دانایان**

انواع صامت های میانجی

۱- ی : خانه ی او ، کوی علوی ، درخت های بلند (*deraxthāye boland*)

۲- گ : ستارگان ، چیرگی (*Čiregi*)

۳- ا : رفته ای ، خانه ای (*Xane?i*)

۴- ج : ترشی جات ، سبزی جات (*Sabzijāt*)

۵- و : گیسوان ، آهوان (*Āhovān ?*)

۶- ک : نیاکان ، پلکان (*Pellekān*)

جمله به دو قسمت « نهاد » و « گزاره » تقسیم می شود .

۱- نهاد ← بخشی از جمله است که درباره آن خبر داده می شود .

۲- گزاره ← خبری است که درباره نهاد بیان می شود .

مثال ← احمد و علی با دوستان به مسافرت رفتند .

اصلی ترین جزء گزاره فعل است که معمولاً در پایان جمله می آید اما در گزاره اجزای دیگری وجود دارد .

توجه :

اجزای جمله همیشه چنین مرتب و منظم نیستند . اگر این گونه نبودند ابتدا نظم عادی را در جمله ایجاد کرده و سپس اجزای جمله را تعیین می کنیم .

مثال ← دیروز دانشجویان در امتحان پایان ترم شرکت کردند .

مرتب : دانشجویان دیروز در امتحان پایان ترم شرکت کردند .

گزاره

نهاد

گروه اسمی از یک اسم با یک یا چند وابسته ساخته میشود. **اولین اسمی که گروه را تشکیل می دهد ،**

هسته گروه می نامند و کلمات قبل و بعدش به ترتیب وابسته های پیشین و وابسته های پسین می گویند .

پس گروه اسمی به دو شکل ظاهر می شود :

اسمی که به تنهایی می آید و توان وابسته پذیری را دارد :

مثال : خودکار - مطالعه - کتاب

(پذیرش وابسته) ← **خودکار بیک / مطالعه مفید / این کتاب**

هسته گروه اسمی هرگاه همراه وابسته های خود در جمله به کار رود ،

گروه بالفعل است :

مثال : کدام تست ، تست زبان فارسی ، تست آسان ، هر چهار تست ، تست ها

گروه بالقوه

گروه بالفعل

* نکته : هسته گروه اسمی است یا هر چه جانشین اسم شود . مانند :

دانشجو کتاب را از کتابخانه گرفت . دانشجو آن را از کتابخانه گرفت . دانشجو چه را از کتابخانه گرفت ؟

صفت اشاره

- « این ، آن ، همین ، همان ، چنین ، چنان » هرگاه پیش از هسته بیایند صفت اشاره هستند .
- مثال : این معلم ، همان درس ، چنین انسانی

صفت پرسشی

- « کدام ، چه ، چند ، چندمین » هرگاه قبل از هسته بیایند و پرسشی را مطرح کند، صفت پرسشی هستند .
- مثال : چه درسی را خوانده ای ؟ کدام فیلم را دیدید؟

صفت تعجبی

- « چه ، عجب » هرگاه قبل از هسته بیایند و تعجب و شگفتی را برسانند .
- مثال : چه گل زیبایی ! عجب هوای خوبی !
- نکته : «چه» هرگاه قبل از هسته مفهوم پرسش را بیان کند ، صفت پرسشی است و هرگاه شگفتی را برساند صفت تعجبی است .
- چه درس آسانی ! (صفت تعجبی)
- از این واقعه چه درسی گرفتی ؟ (صفت پرسشی)

۳- مضافُ الیه :

هرگاه کلمه ای با نقش نمای اضافه بعد از اسم بیاید به این شرط که آن کلمه صفت نباشد ، مضافُ الیه است . دو واژه ای که همراه نقش نمای اضافه ، وابسته پسین می سازند به دو صورت امکان دارد بیاید . یا مضاف و مضافُ الیه هستند ، یا موصوف و صفت :

مضاف و مضافُ الیه کلاس_ درس

مضاف و مضافُ الیه کلاس_ او

موصوف و صفت کلاس_ مناسب

راه‌هایی برای تشخیص موصوف و صفت از مضاف و مضاف‌الیه

12

1- اصلی‌ترین راه این است که صفت‌ها و اسم و ضمیرها را بشناسیم . اگر بعد از واژه‌ای همراه با نقش‌نمای اضافه اسم یا ضمیر آمد **مضاف و مضاف‌الیه** تشکیل شده است و اگر صفت آمد ، **موصوف و صفت** ساخته شده است .

واژه + _ + اسم : **مضاف و مضاف‌الیه** مثال: **مشق شب**

واژه + _ + ضمیر : **مضاف و مضاف‌الیه** مثال: **مشق او**

واژه + _ + صفت : **موصوف و صفت** مثال: **مشق خوش خط**

2- بعد از ترکیب ، تکواژ وابسته‌ی تصریفی «تر» اضافه کنید . **موصوف و صفت با «تر»** معنی می‌دهند و **مضاف و مضاف‌الیه** معنی نمی‌دهد .
کلاس مناسب‌تر

3- بین کلمات بعد از نقش‌نمای اضافه کلمه «**بسیار**» می‌آوریم ، ترکیب وصفی با «**بسیار**» معنی می‌دهد ولی ترکیب اضافی معنی نمی‌دهد .
کتاب محمد : کتاب بسیار محمد (معنی نمی‌دهد)
کتاب گران قیمت : کتاب بسیار گران قیمت (معنی می‌دهد)

4- در ترکیب بعد از اولین واژه «ی» نکره اضافه کنیم ، اگر معنی داد ، ترکیب وصفی و اگر معنی نداد ترکیب اضافی می‌باشد .
درس زندگی : درسی زندگی (معنی نمی‌دهد پس مضاف و مضاف‌الیه است)
درس مناسب : درسی مناسب (معنی می‌دهد پس موصوف و صفت است)

ماضی و انواع آن : فعلی که وقوع کار یا حالتی را در گذشته بیان می کند

پرسیدم - پرسیدی - پرسیدی - پرسیدید پرسیدیم - پرسیدید - پرسیدیدند	بن ماضی + شناسه (مَ - ی - Ø - یم - ید - ند)	۱-۱- ماضی ساده
می + نوشتم = می نوشتم	می + ماضی ساده	۱-۲- ماضی استمراری
نوشته + بود + مَ = نوشته بودم	صفت مفعولی + بود + شناسه	۱-۳- ماضی بعید
خورده + مَ = خورده ام	صفت مفعولی + مَ	۱-۴- ماضی نقلی
داشت + مَ + می نوشتم = داشتم می نوشتم	داشت + شناسه + ماضی استمراری	۱-۵- ماضی مستمر (مملوس)
خوانده + باشم = خوانده باشم	صفت مفعولی + باشم	۱-۶- ماضی التزامی
می + خوانده ام = می خوانده ام	می + ماضی نقلی	۱-۷- ماضی استمراری نقلی
نوشته + بوده ام = نوشته بوده ام	صفت مفعولی + بوده ام	۱-۸- ماضی ابعاد (بعید نقلی)

مضارع و انواع آن : فعلی که وقوع کار یا حالتی را در حال بیان می کند

۱-۲- مضارع اخباری	می + بن مضارع + شناسه	می + نویس + مَ = می نویسم
۲-۲- ماضی التزامی	ب + بن مضارع + شناسه	ب + رو + مَ = بروم
۳-۲- مضارع مستمر (ملموس)	دار + شناسه + مضارع اخباری	دار + مَ + می گویم = دارم می گویم

مستقبل : فعلی که وقوع کار یا حالتی را در آینده بیان می کند

۳- آینده (مستقبل)	خواه + شناسه + بن ماضی فعل	خواه + مَ + نوشت = خواهم نوشت
-------------------	----------------------------	----------------------------------

* مراحل مجهول کردن جمله معلوم :

1. نهاد را حذف می کنیم
2. مفعول جمله معلوم را بدون علامت مفعول (را) نهاد جمله مجهول قرار می دهیم .
3. فعل جمله را به مجهول تبدیل می کنیم .

الف) ماضی مجهول

صفت مفعولی + شد

ب) مضارع مجهول

صفت مفعولی + می شود

4. شناسه فعل را با نهاد جمله مجهول مطابقت می دهیم .

مثال :

دانشجویان از کتابخانه کتاب گرفتند ← **از کتابخانه کتاب گرفته شد.**
 نهاد متمم مفعول فعل معلوم - ماضی نهاد متمم فعل مجهول - ماضی

آن ها از فروشگاه ها لباس می خرید ← **از فروشگاه ها لباس خریده می شود.**
 نهاد متمم مفعول فعل معلوم - مضارع نهاد متمم فعل مجهول - مضارع

استاد دانشجویان را به اردو برد ← **دانشجویان به اردو برده شدند.**
 نهاد مفعول متمم فعل نهاد متمم فعل (شناسه با نهاد مطابقت است).

ساختمان فعل

ساختمان فعل در بن مضارع آن تعیین می شود و فعل از

16

جهت ساختمان به سه قسمت تقسیم می شود :

الف) فعل ساده : فعلی است که بن مضارع آن فقط یک تکواژ آزاد داشته باشد.

داشتم می پرسیدم ← پرس / نوشته باشد ← نویس / خواهی گفت ← گوی

ب) فعل پیشوندی : فعلی است که بن مضارع آن یک تکواژ وابسته و یک تکواژ آزاد دارد.

فرا خوانده ایم ← فراخوان / در گذشته بود ← در گذر / بازگشته بودم ← بازگرد

پ) فعل مرکب : فعلی است که دو تکواژ آزاد در بن مضارع دارد . حاصل کرده بود / دوست داشت .

- او از هر دری سخن گفت . «سخن گفت» فعل مرکب نیست چون «سخن» نقش مفعولی دارد و قابلیت گسترش هم دارد می توان این گونه بگوییم :
- سخن ها گفت / سخنی گفت / سخن نیکو گفت .

* برای تشخیص فعل مرکب:

- اولاً باید فعل را در جمله بررسی کرد
- ثانیاً فعل نباید گسترش پذیر باشد . یعنی بین دو جزء آن نباید تکواژی بیاید و یا بتوان آورد .
- ثالثاً : جزء غیرصرفی فعل نباید نقش دستوری بپذیرد .

- نکته 2 : برخی از حروف ربط همپایه زوجی می آیند که به آن ها حرف ربط مزدوج می گویند:
- مثال : یا یا ، نه نه ، چه چه ، خواه خواه ، هم هم .

- بالاخره نه درس خواند و نه کار کرد .
- من که هم تو را می شناسم و هم او را .

۲- حرف اضافه : واژه هایی که نقش نمای متمم هستند و پیش از اسم می آیند و آن را متمم می سازند . حروف اضافه مشهور عبارتند از :

از ، به ، با ، برای ، در ، بر ، جز ، چون (هرگاه به معنی مثل و مانند باشد) .

۳- حرف نشانه :

الف (نشانه مفعول «را»

ب (نشانه ندا «ای ، یا ، آیا ، ا»

- روانشناسی زبان با تاکید بر زبان فارسی ، تالیف سید مصطفی طباطبائی ، تهران ؛ لوح زرین ؛ ۱۳۹۱

با تشکر فراوان از زحمات استاد گرانقدر
جناب آقای سید مصطفی طباطبائی